

رَواق

گشتی در حریم حرم

حرم مطهر رضوی به غیر از قســمــت اصلی صحن و بارگاه و رواق ها، دارای نقاط و جاذبه‌های تاریخی و معنوی مختلفی است که معمولاً برخی زائران از آن بی‌خبرند یا به آنها سر نمی‌زنند. مکان‌هایی که در زمره گنجینه‌ارزشمند معنوی و تاریخی و هنری ایران است و در جوار بارگاه امام رُتوف به نقطه گردشگری تبدیل شده است.

موزه‌های آستان قدس

یکی از اصلی‌ترین این نقاط، موزه‌های آستان قدس رضوی است. این موزه‌ها مشتمل بر گنجینه حرم رضوی، گنجینه تمبر و اسکناس، گنجینه نجوم و ساعت، گنجینه سلاح‌های سرد و گرم، گنجینه ظروف، گنجینه هنرهای تجسمی، گنجینه صدف و حلازون‌های دریایی، گنجینه‌سکه، گنجینه‌مدال، موزه فرش، موزه قرآن و نگایس «گنجینه آثار اهدایی مقام معظم رهبری آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای»، آثار اهدایی استاد فرشچیان، تالار مرععات و ابزار کتبات و حمام مهدی قلی بیگ یا موزه مردم‌شناسی است.

کتابخانه

نخستین بارقه پیدایش این جلوه قدسی، شش قرن پیش از این، در اثر خیرخواهی و ایمان راستین واقفان و اهداکنندگان بااخلاص و بی‌نام و نشان زده‌شد، سپس عواملی نظیر روی آوردن طلاب علوم دینی مقیم شهر مشهد مقدس، زائران قاضل و دوراندیش و بذل عنایت خادمان و شیفتگان بارگاه امام(رضاع)، موجبات رونق آن را فراهم آورد.از حدود سال ۱۱۵۰هجری قمری، مکان ویژه‌ای برای کتابخانه در نظر گرفته شد، اما توجه جدی به جایگاه کتابخانه به اوایل قرن ۱۴ شمسی برمی‌گردد.همین امر، مهم‌ترین سبب شتاب در روند توسعه کتابخانه و اقبال روزافزون پژوهشگران و کتابخوانان به‌این مکان به‌شمار می‌رود. گرچه محل کتابخانه، در طول سالیان، بارها تغییر کرده، همواره در جوار مرقد مطهر و داخل حوزه‌ماکن متبر که قرار داشته‌است،نخستین بنای جامع ومستقل کتابخانه در سال ۱۳۳۰ش در ضلع شمال غربی رواق امام‌خمینی(ره) کنونی ساخته و سپس در سال ۱۳۵۶ش به ساختمان جدید و وسیعی واقع در طبقه فوقانی موزه آستان قدس رضوی، واقع در ضلع شرقی همان رواق منتقل شد. ساخت بنای باشکوه ساختمان کنونی نیز که از سال ۱۳۶۰ش آغاز شده بود، در سال ۱۳۷۲ش با مساحت ۲۸۸۰۰مترمربع زیربنابه پایان رسید و از نیمه دوم سال۱۳۷۳ش بهره‌برداری شد.

سقائخانه

سقائخانه در وسط صحن انقلاب قرار گرفته و با گنبدی طلایی به بنایی شاخص تبدیل شده است. این سازه که در دست مقابل پنجره فولاد قرار دارد بین سال‌های ۱۴۴ تا ۱۴۵ به دستور نادرشاه افشار احداث شده است. در آن زمان سنگبازی را که از سنگ مرمر یکپارچه بود از هرات به مشهد آوردند و در این مکان نصب کردند. ششمی به نام استاد اسماعیل طلاکار روی این سنگ گنبدی ۸ضلعی با طلاکاری بنا کرد و به مرور این بنا به نام سقاخانه اسماعیل طلا یا به لهجه محلی اسمال طلا معروف شد.

ساعت‌های حرم

از جاذبه‌های مهم داخل حرم مطهر که بخشی از معماری حرم به شمار می‌رود، ۲ساعت بزرگ روی منارهای بزرگ حرم است. این دو ساعت سازه‌هایی تاریخی و قدیمی هستند که هنوز به‌کار خود ادامه می‌دهند؛ اولی بر گلدسته ایوان غربی صحن انقلاب نصب شده و دومی بر بالای ایوان جنوبی صحن آزادی (صحن کهنه) خوندنمایی می‌کند.سال‌ها پیش صدای زنگ این ساعت‌ها تا دور دست‌های شهر مشهد شنیده می‌شد و پیش از ساخته شدن برج‌های تجاری و هتل‌های نزدیک به حرم امام رضا، از دور در کنار گنبد و بارگاه رضوی دیده می‌شد.

پنجره فولاد

هنگامی که در دوره صفوی صحن عتیق یا همان انقلاب فعلی احداث شد، ملاحسین فیض کاشانی، از حکمای آن زمان پیشنهاد داد برای کسانی که به دلایل مختلف نمی‌توانند وارد حرم شده و خود را به ضریح برسانند، فضایی طراحی شود تا از نزدیک‌ترین فاصله ضریح را ببینند و از دور آن را زیارت کنند. این بود که پنجره‌های فولادی در محلی مشرف بر ضریح نصب شد و از آن به بعد به پنجره فولاد مشهور شد.

مدرسه پریزاد

مدرسه پریزاد از آثار دوره تیموری است که به همت ندیمه گوهر شاد خاتون، بانی مسجد گوهر شاد احداث شده است. این مدرسه باونوی غنی و فقیر هر یک به سهم خود سهمی در فرهنگ و هنر در این بنای مذهبی ایفا کرده‌اند. گفته شده پریزاد با باقی مصالح مسجد گوهرشاد که باویش در اختیار وی گذاشته بود این مدرسه را در بیرون حرم احداث کرده است. هم‌اکنون این بنا در داخل حریم رضوی قرار گرفته و تقریباً چسبیده به مسجد گوهرشاد است. مدرسه پریزاد از شمال به مدرسه دو در، از شرق به رواق دارالسیاده، از جنوب به مسجد گوهرشاد و از غرب در گذشته به یکی از بازارهای مشهد وصل می‌شده ولی امروزه به بست شیخ طوسی منتهی به صحن جامع رضوی می‌رسد.

مقبره طبرسی

ابوعلی فضل بن حسن طَبْرَسی مشهور به شیخ طبرسی از علمای بزرگ شیعه و مفسر قرآن در قرن ۵و هجگری بوده است. وی در شهر طبرس، بین کاشان و اصفهان، یا به روایتی در تفرش متولد شده ولی بیشتر عمرش را در مشهد گذراند است. مقبره وی در یکی از گورستان‌هایی که در گذشته نزدیک به حرم بوده، وجود داشته است. این قبرستان به «قتلگاه» و «معتسل الرضا» یا «ضلگاه» مشهور بوده چون در گذشته در این محل همان باغی بوده که مامون به امام رضا ره داده است. بعداز احداث میدان‌های اطراف حرم بین سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۰۸ شمسی خیابان طبرسی به شکل امروزی در آمدن و قبرستان مزبور سطح شد. بعدها در بخشی از آن صحنی به نام رضوان احداث شد که هم‌اکنون بخشی از حریم رضوی است و به نام باغ رضوان شناخته می‌شود.

مدرسه دودر

مدرسه دو در از بناهای دوره تیموریان و در نزدیکی صحن گوهرشاد است. این مدرسه ابتدا بیرون حرم قرار داشته ولی امروزه به یکی از نزدیک‌ترین اماکن به منیع شریف و داخل حریم رضوی تبدیل شده است. یک در این مدرسه از صحن جمهوری و در دیگر مقابل مدرسه پریزاد قرار دارد. این مدرسه هم‌اکنون به دارالقرآن تبدیل شده است.



چیزی با خودم نیاوردم
جز چشمان منتظم و دلی که
گروه می‌خورد به ضریح

پناه هم بده

یک مشت گندم برای کبوتر ها

در آغوش مادر بزرگ نشستم توی ماشین.

یک فر فره کوچک و زرد چوبی در این دست

و یک انگشتر ظریف عقیق در انگشت ان دست، این تمام آن چیزی است که از سفر مشهد با خودم همراه کرده‌ام، اینها و خاطرات این چند روز؛ شلوغوی روزهای حرم، دیداری صبح‌هسای زود و دیر خوابی آخر صبح برای زیارت آقا با مادر و مادر بزرگ، باد ملایم و خنک شب‌های شبن که چادر گل دارم را باری می‌داد، نخودچی و کشمش‌هایی که پیرزن‌ها توی مشتّم می‌ریختند، تکان‌های آهسته‌شانه‌های مادرم و چادری که توی صورتش می‌کشید و کبوتر‌ها کبوتر‌ها... و منی که صبح‌ها به عشق ریختن گندم برایشان بیدار می‌شدم. مادر مفاتیح دستش بود و دعا را بلند می‌خواند و من مهرها را روی هم می‌چیدم. و شلوعی بازار بلند و باریک کنار حرم که مادر از آن سو می‌رفت برای سجاده و من از این سو می‌کشیدمش برای عروسک. انگشتر عقیق با گلبرگ‌های کوچک اطرافش کمی برای انگشتمم بزرگ است، آن را در وقت دستم می‌چرخانم.مادر بزرگ را شوق و با صدایی که سراسر کن، بغض را پنهان کند می‌گوید:«آنجا را ببین! گنبد طلایی حرم، سلام بده و بگو آقا دوباره ما را بطلب.»

اگر قرار باشد حاجت بگیری

نماز صبح که قطار ایستاد و پیاده شدیم، دیگر نخواستیم. سرم را به شیشه گذاشتم‌ام به بیرون خیره شده‌ام به آفتابی که روی دشت پهن شده منتظر رسیدنم نه، قبل تر از آن، منتظر برق طلایی گنبدم.مادر قبل از سفر گفت: «چشمت تا از دل جاده به گنبد افتاد سلام کن...» شهر نزدیک‌تر می‌شویم، تلالو گنبد نمایان است، جایم را تغییر می‌دهم تا بهتر ببینمش، زیارت‌علیک یا علی‌بن موسی الرضا. یا پای حج گرفته به مشهد آمده‌ام، سلام امام مهربان و بودن در کنار دوستانم سختی راه رفتن را برایم شیرین کرده است.برای آنها که به من کوچک کم و سن و سال التماس دعا گفتند، روبه‌روی ضریح دعا می‌کنم. با چادر نمازم که گل‌های بنبش دارد، نمازی می‌خوانم، مادر سفارش کرده چادرم را برای

سبک زندگی



گزارش
الهام مصدقی‌راد
روزنامه‌نگار

هر جا که باشی گنبد طلایی بارگاه امام هشتم مثل قلبی تپنده، مثل نگین زیباترین انگشتری، مثل خورشیدی نورانی و گرم‌ایشخ، دلگرم می‌کند آدم را. هنوز پایت به مشهدت رسیده و هنوز چشمانت به گنبد طلایی نیفتاده... نه! حتی شاید قبل تر از آن؛ زمانی که دلت هوای زیارت می‌کند و دعوت می‌شوی؛ گویی حجم خون در رگ‌هایت چندبرابر می‌شود؛ در عین اشتیاق، با چشمانی نیم‌زده آرام می‌شوی. نگاهت حتی از دور دست به گنبد طلایی حرم آقا می‌افتد مثل گمشده‌ای که حریم امنش را یافته است، متعوف و مسرور، خیره می‌شوی، دست بر سینه می‌گذاری، سلام می‌کنی و قرار می‌گیری. آقا جان! دلمان هوای حرمت‌را کرده؛ دلمان بر می‌زند برای کلاب که خادمان حرمت بر سرمان می‌ریزند؛ دلمان تنگ شده برای دیدن طلوع از پشت بازگاہ خورشید هشتم. آقا جان! دوباره قسمت‌مان کن؛ قسمت آنها که هنوز نیامده‌اند؛ قسمت آنها که دلشان را در کنار ضریحت جا گذاشته‌اند. آقا جان! دلمان که تنگ است، چاره چیست جز از دور یاد تو کردن، از فرسنگ‌ها فاصله، دل را به پنجره‌های ضریحت گره‌زدن، از دور زیارت کردن؟ «سلام ما بر نوای نور خدادار تاریکی‌های زمین؛ سلام ما بر نوای ستون عمارت دین». آقا جان! چاره چیست جز مرور خاطراتی که از کودکی در حرمت داشته‌ایم و نقش بسته در دل‌مان؟ خودت ما را بطلب و پناهمان ده.

بعد از اللهم لک صمت در دهان گذاشتم، خواستم طلبیده شده باشم، حتما حکمتی دارم، دلم لسک زده برای زیارات‌ات، دلم خنکای حرمت مادر می‌گوید: «همه جای حرم حرمت دارد، همه جای حرم متبرک است، اصلاً یاد امام(رضاع) و توسل به او حاجات‌ات را می‌دهد اگر قرار باشد حاجت بگیري.»

پنجره‌های کوچک از پشت چشمان خیس

«اقا دلم بدجسور هویت‌ا را کرده بود، این بار تنها آمده‌ام، می‌خواهم دل سیر حرف بزنم، گریه کنم، فقط ضریح را نگاه کنم.» منتظر کسی نماندم تا نخستین پرواز صبح آمدم و شش می‌روم. «اقا دست خالی برم‌نگران، خودت راه دادی برای آمدنم.» مستاصلم، مادر دعایش را بدرقه راهم کرد. چادرم را عوض کرده‌ام، نماز خوانده‌ام و تکبیهام را داده‌ام به‌دویاری درست مقابل ضریح، زیارت وارث می‌خوانم، حرم خلوت است و من بدون مانع پنجره پنجره‌های کوچک طلایی رنگ ضریح را می‌بینم. چشمانم خیس می‌شود، بی اختیار اشک‌هایم می‌ریزد. مراقب دختری هستم که آرام خوابیده و مادرش برای زیارت رفته است... میانه یکی از رواق‌ها شلوع‌تر است، عروس با چادر سفیدش کنار داماد نشسته و آقا دارد خطبه مقدشان را می‌خواند. از دور خیلی‌ها ایستاده‌اند و نگاه‌شان می‌کنند، زنی نزدیک به عروس رویش را کیپ گرفته و اشک‌هایش را پاک می‌کند. من به‌مانند دیگر زائران حرم برای‌شان خوشبختی آرزو می‌کنم. کفش‌هایم را که از کشداری می‌گیرم، از همانجا به داخل رواق‌ها نگاه می‌اندازم و خیالم می‌رود کنار ضریح «آقای مهربانی‌ها دوباره من را بطلب.»

خودت انتخاب کردی

هیچ وقت هیچ قرع‌ای به‌ن‌امام در نیامد اما باز هم منتظر شنیدن اسامی‌مان ماندم. ما ب‌هم نشد. خوش به حال آنها که آقا بعوتشان کرد. چند روز دیگر مشغور می‌شه‌ند، احیای سوم‌ماه مبارک را در حرم رضوی به صبح می‌رسانند و قرآن به‌سر می‌گیرند. آقای مهربانی! حتی این مرتبه هم قرع‌ه به‌نامام نیفتاد! دعوتم نکردی؟ نخستین لقمه افطار را که

روایتی از کفشدار کشیک دو

ما خادم امام رضا علیه‌السلام نیستیم!

پیشین، با خدام سخن می‌گوید. یاد هست یک‌بار

ایشان گفت: من و شما خادم امام رضا علیه‌السلام نیستیم! خادم حضرت، خواجه اباصلت و خواجه مراد بود. ما به گرد پای آن بزرگان نیز نمی‌رسیم. عزیزان! ما خادم زوار امام‌رضاییم. پس ای خدام! خودت را تکبیر و تکبیر نکن. فکر نکن این لباس، تو را ممتاز از بقیه می‌کند. خیر! به تو می‌فهماند که خادم همین زواری، پس هر چه شکسته‌تر و متواضع‌تر، بهتر و سزاوارتر.

۳. با قرار قبلی!

هرکسی به زوار خدمت می‌کند خادم است، رسته و گروه و رتبه ندارد. به قول شاعر: اینچاست طبیعی که ن‌دارد نوبت هر دل که شکسته‌تر بود پیش‌تر است اما از قدیم، بارگاه امام مهربانی‌ها به‌تظلم، پاکیزگی، عطر و خورشیدآلودگی معروف بود و هست کوچک‌ترین و خردترین زبانه در اماکن متبرک که پذیرفتنی نیست. حتی لباس خدام هم باید تمیز و یکدست باشد. این نظم، در حضور و نحوه خدمت هم ساری و جاری است. به‌طور کلی هر که در حرم خدمت‌کند را خادم می‌گویند اما از نظر سلسله مراتب اداری، خادمان ۴ دسته‌اند: خدام، فراشان، کفشداران، دربایان.

خدام و فراشان تقریباً یک کار می‌کنند. هدایت زائران برای عبور و مرور در رواق‌ها، جارو، تطهیر (شستن حرم در مواقعی که نیاز به شست‌وشو دارد) منتهی فرق خادمان و فراشان در مکان ایستاد نشان است. از پایین



پای مبارک یعنی رواق امام و صحن آزادی تا روضه منوره و پیش روی مبارک، محل استقرار و خدمت خدام است و از بالاسر مبارک تا صحن جمهوری، محل خدمت فراشان.

کفشداران هم که معلوم است کارشان چیست. دربایان هم با کلاهی بر سر، در صحن‌ها می‌ایستند. عزیزان دیگری هم در قالب خدمتیار، خادمیار و...اموری چون خدمت‌دادن به کتاب‌های دعا، صندف‌های نماز، حمل زائران با ویلچر و...را انجام می‌دهند.

خدام در ۸ کشیک تقسیم می‌شوند؛ ۶صبح تا ۶صبح.

شنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۱
شماره ۸۵۱۶

۱۳

روشنا

منش زندگی از دیدگاه امام رئوف

حضرت امام رضا(ع) فرموده‌اند: بگوشتید که زمان تان را به ۴بخش تقسیم کنید:

۱- زمانی برای مناجات با خدا ۲- زمانی برای تأمین معاش و کسب روزی ۳- زمانی برای معاشرت با برادران و معتمدانی که عیب‌هایتان را به شما می‌شناسانند و در دل شما را دوست دارند.

۴- ساعتی برای کسب لذت‌های حلال.

با بخش چهارم، توانایی انجام دادن سه بخش دیگر را به‌دست می‌آورید. (فقه‌الرضا علیه‌السلام، ص ۳۳۷)

همچنین امام‌رضا علیه‌السلام به نقل از پیامبر صلی‌الله علیه و آله فرمودند: نزدیک‌ترین شما به من از نظر مقام در روز قیامت، کسی است که در مورد خانواده خود خوش‌رفتار باشد. (صحیفه الامام‌الرضا علیه‌السلام، ص ۶۷) اگر مؤمنی خشمگین شود عصبانیت، وی را از طریق حق بیرون نمی‌برد و اگر شادمانی یابد این خرسندی وی را دچار باطل نمی‌سازد و چون به اقتناری می‌رسد بیشتر از آنچه حق دارد، نمی‌گیرد. (بحار الانوار، جلد ۷۵)

ایشان در احادیثی جداگانه درخصوص اهمیت تأمین معاش خانواده فرموده‌اند: کسی که در پی به‌دست آوردن درآمدی برای تأمین معاش عائله‌اش باشد بهتر از مجاهدان در راه خداست. شایسته است مرد بر اهل خانه از لحاظ مخارج زندگی سختگیری نکند تا اینکه آنان مرگ او را از خداوند درخواست نکنند. هر کس به روزی حلال اکم، خشنود باشد رنجش کمتر و خاندانش در آسایش و آرامش زندگی می‌کند و خداوند عیوب دنیا و کیفیت رفیع آنها را به او می‌آموزد و وی را با سلامتی در بهشت مستقر می‌سازد. (اصول کافی، جلد ۸) امام هشتم درخصوص تلاوت قرآن در خانه و تأثیر آن در شرایط روانی و اقتصادی اهل خانه فرموده‌اند: در خانه‌هایت بر نمایمانی برای تلاوت قرآن کریم ترتیب دهید به‌درستی هر گاه در منزلی قرآن خوانده‌شود امور اهلش سهل و آسان می‌شود و خیر و برکتش بسیار شده و در غیر این صورت اهل خانه در تنگنای فقری و روانی و اقتصادی قرار می‌گیرند. (عده‌الداعی و التجاح‌الساعی)

راه‌نما

چراغ هشتم

حضرت امام رضا(ع) در زمان حیات بر پرکت‌شان آقا، صحیفه‌ها و رساله‌های متعددی داشتند که به ۴نمونه آن اشاره می‌کنیم:

صحیفه الرضا

صحیفه الرضا یا صحیفه رضویه، مجموعه‌ای از احادیث منتسب به علی بن موسی الرضاست که به‌وسیله عبدالله بن احمد بن عامر روایت شده که او آنها را از پی‌دش‌رش احمد و پسرش از علی بن موسی‌الرضا در سال ۴۹۱ ه‍.ق در مدینه شنیده‌است. این مجموعه شامل احادیث مختلف در موضوعاتی از قبیل تنبیش به در گاه خداوند، فضایل اهل بیت پیامبر، تقویت روابط خویشاوندی، غیبت و پایه‌گذاری دیگر موضوعات به‌نگارش در آمده‌است.

عیون‌الآخبار الرضا

«عیون اخبار الرضا»، کتابی است که نویسنده آن، ابن بابویه، معروف به شیخ صدوق، هر چیزی را که درباره‌ علی بن موسی‌الرضا روایت شده، گردآوری کرده‌است؛ از مناظرات دینی و احادیثی که از علی بن موسی نقل شده، چرایی انتخاب نام وی، روایات مربوط به در گذشت و معجزاتی که در حرمش واقع شده. در این کتاب، رساله‌های مختصری نیز از علی بن‌موسی نقل شده‌است. **ولایت‌عهدی امام رضا^ع** میان آثار منتشرشده درخصوص حضرت رضاع) نیز کتابی درمجموعه‌سیری در سیره‌نامه‌اطهار علیهم‌السلام اثر استاد شهید مرتضی مطهری، به‌امام هشتم اختصاص دارد. با عنوان «ولایت‌عهدی امام رضا(ع)». این کتاب شامل ۲سخنرانی همراه با پرسش و پاسخ است.

نگاه

حرم امام رضا^ع در دوره‌های

مختلف تاریخی چه تغییری کرد



مکانی که پیکر مطهر امام هشتم را در آن به خاک سپردند ابتدا یک باغ بود. در دوره‌های مختلف بخش‌های متفاوت حرم رضوی ساخته شده است. مناره نزدیک گنبد را از توغیان ساختند که هنوز هم از قسمت‌های مهم حرم رضوی است.نخستین گنبدبزرگ روسمی حرم راسلجوقیان بنا کردند آن هم با کاشیکاری‌های زیبا.وقتی مغول‌ها به ایران آمدند، مردم مشهد را گشختند آن را غارت کردند و آسیب‌هایی جدی به حرم وارد کردند.اماصل بنای حرم را ویران کردند.نوبت به تیموریان که رسید حرم زیباتر از هر وقت دیگر شد خصوصاً که به‌دست همسر شاهرخ تیموری، مسجد گوهر شاد ساخته شد. صفویان که داعیه‌دار حکومت تبعیع بودند تا آنجا که توانستند حرم را زیبا کردند.مثلا شاه‌طهماسب صفوی مناره‌های حرم را بازسازی کردو همان خشت‌های قدیمی کاشی‌رویی گنبد را تبدیل به طلاء کرد.اساس ساختن صحن آزادی و سومین ضریح حرم به دوره قاجار می‌گردد. آنها یوان غربی این صحن را هم باطل‌در خشان کردند.

بعداز پیروزی انقلاب اسلامی نیز مهم‌ترین تغییرات در بازسازی و توسعه حرم رضوی رخ داد.